

هویت معماری شهر زاهدان

تألیف:

مهندس نورمحمد بهلولی اول - مهندس سپهر انصاری

این اثر تحت حمایت قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ قرار داشته و بر اساس ماده ی ۲۳ این قانون، هر کس بدون اجازه ی کتبی تمام یا قسمتی از اثر را به نام خود، یا به نام پدیدآورنده و یا به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده مورد نشر یا پخش یا عرضه قرار دهد به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم می گردد.

سرشناسه	: بهلولی اول، نورمحمد، ۱۳۳۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: هویت معماری شهر زاهدان/ به کوشش نورمحمد بهلولی اول، سپهر انصاری.
مشخصات نشر	: تهران: پرریان اندیش، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۳۲۶ ص.: مصور(رنگی)، نقشه(رنگی).
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۰۰۳-۴-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: زاهدان -- آثار تاریخی
موضوع	: معماری -- ایران -- زاهدان
موضوع	: ساختمان‌های تاریخی -- ایران -- زاهدان
شناسه افزوده	: انصاری، سپهر، ۱۳۶۳ -
رده بندی کنگ	: ۱۳۹۲ ب۹ ز/ ۱۴۸۷ NA
رده بندی دیویی	: ۷۲۰/۹۵۵۷۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۳۶۱۳۸

انتشارات پرریان اندیش

عنوان: هویت معماری شهر زاهدان	
مؤلفان: مهندس نورمحمد بهلولی - مهندس سپهر انصاری	
چاپ اول: ۱۳۹۳	
طراح جلد و مدیریت چاپ: مهندس سپهر انصاری - ۰۹۱۲۵۲۷۰۹۶۹	
طراح صفحات: عصمت گلزار	
تیراژ: ۲۰۰ نسخه	
تعداد صفحات: ۳۲۶ صفحه	
ارزش: ۱۷۸۰۰ تومان	
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۰۰۳-۴-۸	ISBN: 978-600-94003-4-8

کلیه ی حقوق این اثر به نشر پرریان اندیش تعلق دارد
و هر گونه تخلف از سوی واحد حقوقی انتشارات مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

نشانی: تهران - پاسداران - اختیاریه - یزدانیان یکم پ ۱ - تلفکس: ۰۲۱-۲۲۵۶۹۲۷۴ - همراه: ۰۹۱۲۵۲۷۰۹۶۹



پیشگفتار.....	۱۱
نگاهی گذرا بر حفاظت آثار تاریخی.....	۱۷
نقدان دزداب بود.....	۲۵

فصل نخست - فرهنگی

ساختمان های بوزیا.....	۳۷
------------------------	----

فصل دوم - آموزشی

مدرسه چمران.....	۵۱
دانشسرای مقدماتی.....	۵۷
مدرسه طالقانی.....	۷۱

فصل سوم - ورزشی

باشگاه ورزشی خیامیان.....	۸۳
---------------------------	----

فصل چهارم - تجاری

بازارچه ی سرپوش.....	۹۵
----------------------	----

فصل پنجم - مذهبی

مقدمه.....	۱۱
مسجد فیض الرحمن.....	۱۱۱
مقبره ی سادات.....	۱۲۳
خانقاه.....	۱۲۹
حسینه ی یزدی ها.....	۱۴۱

فصل ششم - اداری

ساختمان قدیمی دادگستری.....	۱۵۳
ساختمان های قدیمی گمرک.....	۱۶۹
ساختمان قدیمی پست.....	۱۷۹

فصل هفتم - مسکونی

منزل آری.....	۱۹۹
منزل بریند.....	۲۱۵
منزل حیدری.....	۲۲۷
منزل منصورخانی.....	۲۳۵
خانه ی قدیمی سردار پای.....	۲۴۳
خانه ی صنعت نما.....	۲۵۵
ساختمان قدیمی منزل شهردار زاهدان.....	۲۶۳
ساختمان شمسی.....	۲۷۱
منزل ضیاء الدین احمدی.....	۲۷۷
منزل ملک.....	۲۸۵

فصل هشتم - توریستی

کاروانسرای ملک.....	۲۹۹
ساختمان های قدیمی کلاته ی رزاق زاده.....	۳۰۳
مهمانپذیر رویا.....	۳۱۵
منابع.....	۳۲۶

پیشگفتار

به نام هستِ درخشانِ بیکران

تا کجا می برد این نقشِ دیوار مرا؟

- تا بدانجا که فرو می ماند

چشم از دیدن و

لب نیز ز گفتار مرا!

لاجوردِ افق صبحِ نشابور و هری ست

که درین کاشی کوچک متراکم شده است

می برد جانبِ فرغانه و فرخار مرا.

گردِ خاکسترِ حلاج و دعای مانی،

شعله آتشِ کرکوی و سرودِ زرتشت

پوریای ولی، آن شاعر رزم و خوارزم

می نمایند درین آینه رخسار مرا

این چه خُزنی ست که در همه‌ کاشی هاست؟

جامه سوگِ سیاوش به تن پوشیده ست

این طنینی که سُرایند خموشی ها

از عمق فراموشی ها

و به گوش آید، ازین گونه، به تکرار مرا.

تا کجا می برد این نقشِ دیوار مرا؟



- تا درودی به « سمرقند چو قند »

و به رودِ سخن رودکی آن دم که سرود:

«کس فرستاد به سر اندر عیار مرا».

شاخ نیلوفر مرو است گه زادن مهر

کز دل شط روان شن ها

می کند باده، این گونه، به دیدار مرا.

سبزیِ سرخس د افراشته ی کاشمرست

کز نهان سویِ تروین

می شود در نظر این اخلاص پیدای مرا.

چشم آن «آهوی سرگشته» می ست

که نگه می کند از آن سوی اعصار مرا

بوته گندم روئیده بر آن بام سفال

بادآورده آن خرمن آتش زده است

که به یاد آورد از فتنه ی تاتار مرا.

نقش اسلیمی آن طاق نماهای بلند

و آجرِ صیقلی سر در ایوانِ بزرگ

می شود بر سر، چون صاعقه، آوار مرا.

وان کتیبه

که بر آن

نام کس از سلسله ای

نیست پیدا و

خبر می دهد

از سلسله ی کار مرا.



کیمیاکاری و دستانِ کدامین دستان

گسترانیده شکوهی به موازات ابد

روی آن پنجره با زینتِ عریانی هاش

که گذر می دهد از روزنِ اسرار مرا.

عجبا کز گذر کاشی این مزِگِتِ پیر

هوس «کاشیِ مغان» است دگر بار مرا»

گرچه بس ناله‌ی واژونه

در آن حاشیه اش

می نماید به نظر،

پیکر مزدک و آن باغِ نِگونِ مرا

در فضایی که مکانِ گم شده از وسعتِ آن

می روم سوی قرونی که زمانِ برده ز یاد

گویی از شهرِ جبریل در آویخته ام

یا که سیمِ رَغ گرفته ست به منقارِ مرا !

تا کجا می برد این نقشِ به دیوارِ مرا؟

- تا بدانجا که فرو می ماند،

چشم از دیدن و لب نیز ز گفتارِ مرا !

" هزاره ی دوم آهوی کوهی " اثر استاد محمدرضا شفیعی کدکنی (به مناسبت بزرگداشت هزارمین سال سده ششم هجری قمری) کوهی اثر ابوحفص
سغدی شاعر سده های سوم و چهارم هجری: آهوی کوهی در دشت چگونه دُودا - او ندارد یار، بی یار چه به بُو



شهر زاهدان مرکز استان سیستان و بلوچستان با جمعیتی بالغ بر پانصد و هفتاد و پنج هزار نفر که امروز به عنوان سیزدهمین شهر پر جمعیت ایران^۱ و مهم ترین مرکز شهری جنوب شرق کشور شناخته می شود، موجودیت خود را در خلال کمتر از یک سده ی گذشته یافته و البته همچنان در جست و جوی هویت نایافته ی خویش است. آن گاه که رضاخان میرپنج بر سامان دادن امور کشوری و لشکری ایران کمر همت بست، بلوچستان و نواحی موسوم به مکران از جمله مناطقی بود که هم به راحتی زیر قید فرمان برداری از حکومت مرکزی نمی رفت و هم در خطه ای به لحاظ ژئوپولیتیکی حساس قرار داشت.^۲

سر و لب ترش های این خطه از سوی قشون رضاخانی به فرماندهی سرلشگر امان اله جهانبانی با دگرگونی های عمیق در ساختار سیاسی و نظامی دیوان سالاری کشور همراه شد و بدین ترتیب مقدمات تشکیل فرمانداری- و در سال های بعد استانی- بلوچستان و بلوچستان فراهم آمد. در این میان اما حکومت دزداب به عنوان پایلوت فرماندهی تعیین و محلی بعد از تغییر نام به زاهدان نقش مرکزیت استان تازه تاسیس را عهده دار شد.

پس از آن بود که این کانون جمعیتی به سبب استقرار دستگاه های دولتی نوپای آن روزگار مانند عدلیه، مالیه و گمرکات نشو و نما یافت و پذیرای اقوام و مذاهب مختلف گردید. احداث خط آهن از سوی انگلیسی ها نیز به عنوان یک عامل مهم در توسعه و رونق منطقه نقش آفرید. نپایداریاد برد به دلیل آن که هند از زیر قید استعمار بریتانیا رها نشده و کشور مستقل پاکستان نیز هنوز تشکیل نشده بود، انگلیسی ها نفوذ قابل توجهی در این منطقه داشتند. بدین ترتیب مشاهده می شود یکی از نخستین مردمانی که با زاهدان نیز مراوده ی تجاری و بازرگانی برقرار نمودند تجار و بازرگانان هندی بودند که اندک اندک شماری از آن ها در این سرزمین ساکن شدند. در عین حال مشهدی ها، بیرجندی ها و کرمانی ها از جمله هموطنانی بودند که زاهدان را برای سکونت برگزیدند. در سال های بعد گروه های دیگری از جمله آذری ها نیز به این عده پیوستند.

۱. بر پایه ی آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران

۲. تا پیش از دوران پهلوی اول، بم و بلوچستان ضمیمه ی ولایت کرمان، چابهار و نواحی اطراف آن ضمیمه ی مناطق ساحلی بندر عباس و بوشهر، سیستان نیز ضمیمه ی خراسان بود. هرچند بخش هایی در دل بلوچستان تا حدودی خودمختار عمل می کردند. برای اطلاعات بیشتر در این خصوص می توانید به مقاله ی "دلایل آشفته گی سیستان و بلوچستان در روزگار پهلوی اول" از کتاب "مجموعه مقالات سیستان و بلوچستان در روزگار پهلوی" نوشته ی قاسم سیاسر، نشر آبنوس، تهران ۱۳۹۲ رجوع کنید.